



## **Career Path Challenges in the Transition to Independence: The Lived Experiences of Female Adolescents Discharged from Family-Type Residential Care**

Reyhaneh Khodabakhshi<sup>1</sup>  
Marziyeh Madanifar(Ph.D.)<sup>2</sup>

 0009-0002-2559-300  
 0000-0002-0879-6974

### ***Abstract***

Adolescent girls discharged from semi-family centers face multiple challenges in their career development and transition to independent living. This study aimed to identify and elucidate the main career path challenges experienced by this group during their transition to independence. A qualitative phenomenological approach was employed. Data were collected through semi-structured interviews with seven discharged adolescent girls, with a mean age of 27 years. Interviews were audio-recorded, transcribed verbatim, and analyzed using thematic coding to extract key patterns and experiences. Analysis revealed ten primary themes: educational challenges; difficulties associated with living in semi-family centers; lack of preparedness before discharge; influence of social relationships on career decision-making; challenges in job selection; psychological factors affecting career development; role conflicts between work, education, and family responsibilities; financial and livelihood insecurity; breakdown of supportive networks; and challenges in achieving job stability. The study highlights the critical need for targeted pre-discharge career training and sustained post-discharge support to facilitate effective career development and successful transition to independent living. Interventions should address educational, psychological, and social dimensions to improve employment outcomes and overall well-being for this vulnerable population.

**Keywords:** Career path, independence, Female Adolescents, Semi-family centers, Job challenges, Social support.

---

1- M.A. Student in Career Counseling, Department of Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author)      reyhaneh.kh7680@gmail.com  
2- Assistant Processor, Department of counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.      m.madanyfar@gmail.com



## چالش‌های مسیر شغلی در گذار به استقلال: تجربه زیسته نوجوانان دختر ترخیص‌شده از مراکز شبه‌خانواده

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

ریحانه خدابخش<sup>۱</sup>

مرضیه مدنی‌فر<sup>۲</sup>

### چکیده

نوجوانان دختر ترخیص‌شده از مراکز شبه‌خانواده با چالش‌هایی در زمینه مسیر شغلی و گذار به استقلال مواجه‌اند. این پژوهش، شناسایی و تبیین چالش‌های مسیر شغلی این گروه در فرایند گذار به زندگی مستقل بود. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی پدیدارشناسی انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۷ نفر از افراد ترخیص‌شده (۷ زن با میانگین سنی ۲۷ سال) گردآوری شد. پس از کدگذاری داده‌ها، ۱۰ کدمحوری اصلی استخراج شد: چالش‌های مسیر تحصیلی؛ چالش‌های زیست در مرکز شبه‌خانواده؛ فقدان آمادگی پیش از ترخیص؛ نقش دیگران بر تصمیم‌گیری شغلی؛ چالش‌های انتخاب شغل؛ نقش مؤلفه‌های روان‌شناختی بر مسیر شغلی؛ تعارض نقش‌ها؛ ناامنی مالی و معیشتی؛ فروپاشی ساختارهای حمایتی و چالش‌های ثبات شغلی است. نتایج پژوهش بر ضرورت طراحی آموزش‌های هدفمند پیش از ترخیص و استمرار حمایت‌های پس از آن برای تسهیل مسیر شغلی و گذار موفق به استقلال تأکید دارد.

### کلیدواژه‌ها

مسیر شغلی، استقلال، نوجوانان دختر، مراکز شبه‌خانواده، چالش‌های شغلی، حمایت اجتماعی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
reyhaneh.kh7680@gmail.com

۲- استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.  
m.madanyfar@gmail.com

## بیان مسئله

بهترین محیط برای رشد کودکان از نظر متخصصان حوزه تعلیم و تربیت، محیط خانواده است و صاحب‌نظران معتقدند که کنش‌های بین کودکان و مراقبان آنها اساس عمده رشد عاطفی، شناختی و اجتماعی است (Schmeer & Yoon, 2016؛ خیری‌صفا، ۱۴۰۲)؛ اما باید این مسئله را در نظر گرفت که همواره کودکانی هستند که به‌دلایل گوناگونی نظیر اعتیاد و انحرافات اخلاقی، محکومیت قضائی والدین و مسائلی از این قبیل ناگزیر جدا از خانواده هستند (فتحی، بخشی‌زارعی و خاک‌رنگین، ۱۴۰۳). با وجود اینکه خانواده مهم‌ترین محیط رشد کودک است، جدایی برخی از کودکان از خانواده، ضرورت توجه به حمایت‌های قانونی و اجتماعی آنها را برجسته می‌سازد.

مطابق ماده ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برخورداری از تأمین اجتماعی و حمایت در برابر شرایطی مانند بی‌سرپرستی، حقی همگانی است و دولت موظف است از طریق منابع عمومی و مشارکت مردمی، حمایت‌های لازم را برای افراد نیازمند فراهم کند. در راستای تحقق این اصل، سازمان بهزیستی اصلی‌ترین مسئول ارائه خدمات به کودکان یتیم یا فاقد سرپرست است؛ بنابراین ساختارهایی همچون مراکز شبه‌خانواده شکل گرفتند تا بستر لازم برای مراقبت، تربیت و حمایت از کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست فراهم شود. این مراکز با ارائه مراقبت، تربیت و حمایت‌های لازم، کودکان و نوجوانان را آماده می‌کنند تا در سن قانونی، از مراکز ترخیص‌شده و گام‌های نخستین زندگی مستقل خود را بردارند.

نوجوانان در بدو ورود به جامعه احساس متناقضی را تجربه می‌کنند؛ آنها از سویی به‌خاطر رهایی از مرکز خوشحال هستند و از سویی به‌دلیل ترس از تنهایی، آرامششان از بین رفته است، آنان درخواست حمایت‌های مادی و معنوی را دارند و از اینکه زندگیشان بعد از ترخیص برای سازمان در اولویت نیست، احساس ناراحتی می‌کنند (باقری، محمدی و اسماعیلی، ۱۴۰۲). نوجوانان حضور در این مراکز را منشأ آینده‌ای مبهم برای خود می‌دانند؛ تعدادی از آنها نسبت به آینده خوشبین بوده و تعدادی آینده را چندان روشن نمی‌بینند؛ طبق پژوهش‌های انجام شده آنها روی حضور و حمایت حامی برای داشتن شغل، کار و خونه حساب باز کرده‌اند (بهریزی‌فر، چیت‌ساز و محمدی، ۱۳۹۸). این شرایط نشان می‌دهد که نوجوانان پیش از ورود به جامعه به حدکافی آمادگی ندارند.

نوجوانان مقیم در مراکز شبه‌خانواده برای ورود به زندگی مستقل با چالش‌ها و

محدودیت‌های قابل‌توجهی مواجه هستند. آنها اغلب در غیاب خانواده مؤثر باید دشواری‌های ورود به دنیای بزرگسالان را به‌تنهایی به دوش بکشند (فتحی و دیگران، ۱۴۰۳). این نوجوانان پس از ورود به زندگی مستقل با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شوند و احساسات پیچیده‌ای مانند ترک شدن و ننگ اجتماعی را تجربه می‌کنند و خود را برای زندگی مستقل در آینده آماده نمی‌بینند (بشلیده و قربان‌پور لقمجانی، ۱۴۰۲)؛ همچنین در پژوهش‌ها به چالش‌هایی مانند گذار ناگهانی به زندگی مستقل، تنهایی و انزوای اجتماعی، مواجهه با برچسب اشاره شده است (Eslamian et al., 2024)؛ بنابراین ترخیص از مراکز شبه‌خانواده آغاز مرحله‌ای جدید در زندگی است که چالش‌ها و نیازهای جدیدی را روبه‌روی نوجوانان قرار می‌دهد.

یکی از چالش‌های اصلی این مرحله گذار، اشتغال و استقلال است که افراد در مسیر رسیدن به این موارد با چالش‌هایی مانند بیکاری و بی‌خانمانی روبه‌رو می‌شوند (Shaw, Steyn & Simeon, 2020). آنها پس از خروج از مراکز، شبکه‌های حمایتی رسمی خود را از دست می‌دهند و همین نداشتن شبکه حمایتی منجر به مشکلاتی مانند فقر و بیکاری و طرد اجتماعی می‌شود (Stubbs, Baidawi & Mendes, 2023). در پژوهش دیگری که تأثیر بزرگ شدن در مراکز را بر زندگی بررسی می‌کرد مشاهده شد که این افراد در مقایسه با همسالانشان که خارج از این مراکز هستند با مشکلاتی نظیر موفقیت تحصیلی پایین، بی‌خانمانی و ناامنی مسکن، بیکاری یا اشتغال ناقص درگیر هستند (Kovarikova, 2017). همچنین پژوهش‌ها نشان دادند که مشکلات روان‌شناختی نظیر احساس تنهایی، ناپایداری مالی، عدم دسترسی به مسکن پایدار و محدودیت‌های آموزشی از اصلی‌ترین موانع این افراد در مسیر اشتغال و استقلال اقتصادی هستند (Esmi, 2020). با توجه به گستردگی این چالش‌ها، روشن است که نوجوانان در آستانه ترخیص نیازمند برنامه‌های منسجم برای آماده‌سازی و حمایت همه‌جانبه هستند؛ در غیراین‌صورت این مشکلات می‌توانند مسیر استقلال و اشتغال آنان را تحت تأثیر قرار دهند.

با توجه به مشکلات متعدد نوجوانان پس از ترخیص، پژوهش‌ها تأکید دارند که آماده‌سازی پیش از خروج از مراکز شبه‌خانواده نقش حیاتی در تسهیل گذار به زندگی مستقل ایفا می‌کند. مطالعات نشان دادند که پیش از خروج می‌توان انواع مختلفی از برنامه‌ها را جهت توسعه مهارت‌های زندگی مستقل پی گرفت، مانند مشاوره فردی و کلاس‌های آموزشی و تمرین مهارت‌ها در فعالیت‌های روزمره (del Valle Cruz & García-Alba, 2025).

همچنین در مطالعه‌ای، آنها خود بیان کردند که پیش از ترخیص به مواردی مانند آموزش مهارت‌های زندگی مانند مدیریت مالی، مدیریت زمان، تصمیم‌گیری و تمرین استقلال نیازمند هستند (Armstrong, Hahn-Floyd, Williamson & et al., 2021). در مطالعه‌ای که به دنبال عوامل اثرگذار بر مسیر استقلال و موفقیت شغلی این نوجوانان انجام گرفته مشخص گردید که تحصیلات و آموزش‌های حرفه‌ای، توانایی برنامه‌ریزی بلندمدت و هدف‌گذاری، حمایت اجتماعی و شبکه‌سازی، ثبات محیط زندگی و همچنین انگیزه شخصی و مقاومت در برابر چالش‌ها از جمله مهم‌ترین عوامل تسهیل‌کننده این مسیر هستند (Johansson, 2023). به‌طور کلی این نوجوانان امیدوارند که با حمایت مؤسسات و دولت از طریق برنامه‌های آموزشی و دیگر تدابیر، مسیر زندگی خود را بهبود بخشند و بتوانند این فرایند را چالش‌های کمتری سپری کنند (بهریزی‌فر و دیگران، ۱۳۹۸).

آماده‌سازی رسمی از طریق برنامه‌ها و مراکز تنها بخشی از موفقیت نوجوانان در گذار به بزرگسالی است و تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی نیز نقش مهمی در این فرایند دارند. عواملی مانند تاب‌آوری، خودکارآمدی، خوش‌بینی و مهارت‌های اجتماعی می‌توانند به‌عنوان منابع محافظتی عمل کنند و در دستیابی به نتایج مثبت حتی در مواجهه با چالش‌های شدید، مؤثر باشند (Nuñez, Beal & Jacquez, 2021). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که چگونگی روابط میان‌فردی و سبک دلبستگی می‌تواند در پیش‌بینی تاب‌آوری و مقابله با مشکلات پس از ترخیص تأثیرگذار باشد (سلطانی قهفرخی، صالح‌زاده و اسعدی، ۱۳۹۷). بنابراین ترکیب عوامل فردی با برنامه‌های رسمی می‌تواند بر فرایند استقلال و دستیابی به اشتغال مؤثر باشد.

با وجود تلاش‌های مراکز شبه‌خانواده برای آماده‌سازی نوجوانان برای ورود به جامعه، شواهد نشان می‌دهد که این نوجوانان همچنان با چالش‌های متعدد در مسیر دستیابی به استقلال و اشتغال مواجه‌اند. مهارت‌های زندگی، حمایت‌های اجتماعی و منابع بیرونی موجود برای آن‌ها ناکافی است و تفاوت‌های فردی نیز بر تجربه آن‌ها در گذار به زندگی مستقل تأثیرگذار است. هرچند پژوهش‌های پیشین به بررسی مشکلات کلی نوجوانان در مراکز پرداخته‌اند، مطالعات کمی به‌صورت کیفی و تجربه‌محور به شناسایی دقیق چالش‌های نوجوانان شبه‌خانواده در مسیر استقلال و اشتغال پرداخته‌اند؛ بنابراین ما در این پژوهش به دنبال بررسی این موضوع هستیم که «نوجوانان ترخیص‌شده از مراکز شبه‌خانواده چه

چالش‌هایی را در مسیر شغلی خود تجربه می‌کنند و این چالش‌ها چگونه بر گذار آن‌ها به زندگی مستقل تأثیر می‌گذارد؟»

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر رهیافت گردآوری داده‌ها، یک مطالعه کیفی است. از میان رویکردهای مختلف پژوهش کیفی، در این مطالعه از روش پدیدارشناسی استفاده شده است؛ چرا که هدف پژوهش، درک و دریافت چالش‌های مسیر شغلی در گذار به استقلال افراد ترخیص‌شده از مراکز شبه‌خانواده است.

نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و در دسترس انجام گرفت. شرکت‌کنندگان توسط یک مؤسسه مرتبط با مراکز شبه‌خانواده به پژوهشگر معرفی شدند و با آنها تماس گرفته شد و دعوت به مصاحبه شدند. افرادی که مایل به شرکت در پژوهش بودند، ما را در این مسیر همراهی کردند. این فرایند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ معیارهای ورود به مطالعه شامل زندگی در مراکز شبه‌خانواده به مدت حداقل ۵ سال، توانایی در بیان و بازگو کردن تجربه‌ها و تمایل و رضایت برای شرکت در مصاحبه بود.

به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد؛ برای نمونه پرسش‌ها به‌صورت زیر ارائه شد: «می‌تونی برام تعریف کنی بعد از ترخیص از مرکز، چه تجربه‌هایی در مسیر پیدا کردن شغل داشتی؟» مصاحبه با این‌گونه پرسش‌ها آغاز و با توجه به پاسخ‌ها، پیگیری صورت می‌گرفت. مصاحبه‌ها در جلسات ۴۵ تا ۶۰ دقیقه انجام می‌گردید و با هر یک از افراد به‌صورت انفرادی در جلسات ازپیش‌تعیین‌شده مصاحبه صورت می‌گرفت.

با هفت نفر از افراد ترخیص‌شده که تمایل به مشارکت داشتند در ارتباط با روزهای پس از ترخیص آنها که در بازه سنی نوجوانی آنها بود، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام شد. در تمامی مراحل، اصول اخلاقی پژوهش از جمله دریافت رضایت آگاهانه برای ضبط و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی، و امکان انصراف از پژوهش در هر مرحله رعایت شد.

برای تحلیل داده‌ها، از روش کدگذاری داده‌ها استفاده شد. در این روش، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به‌صورت نظام‌مند بررسی و واحدهای معنادار شناسایی شد و دسته‌بندی

گردید تا الگوها و موضوعات اصلی استخراج شود.

به منظور اعتباریابی نتایج پژوهش، دو راهکار به کار گرفته شد: اول، بازبینی یافته‌ها توسط مشارکت‌کنندگان که طی آن، بخش‌هایی از تفسیرها و کدهای استخراج شده به افراد شرکت‌کننده ارائه شد تا صحت آن‌ها تأیید شود؛ دوم، مستندسازی کامل فرایند پژوهش شامل مراحل جمع‌آوری داده‌ها، پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و کدگذاری، تا شفافیت و قابلیت بازبینی پژوهش، افزایش یابد.

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، با هفت دختر ترخیص شده از مراکز شبه‌خانواده مصاحبه به عمل آمد. شرکت‌کنندگان دارای بازه‌های سنی متنوعی بودند و در زمان انجام مصاحبه، برخی مجرد و برخی متأهل بودند. در انتخاب مشارکت‌کنندگان تلاش شد تنوعی از نظر شرایط زندگی، وضعیت اشتغال، تحصیلات و مدت زمان ترخیص لحاظ شود تا ابعاد مختلف و گسترده‌ای از تجربیات آنان در مسیر کسب شغل و استقلال در بازه سنی نوجوانی پوشش داده شود. خلاصه‌ای از ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

اسامی افراد	سن	وضعیت تأهل	تحصیلات	مدت زمان گذشته از ترخیص	شرایط شغلی کنونی
خانم.ج	۳۳	مجرد	کاردانی	۱۲ سال	پرستار سالمند
خانم.م	۳۴	مجرد	کارشناسی زبان انگلیسی	۱۰ سال	مترجمی زبان انگلیسی
خانم.ر	۲۸	مجرد	دیپلم	۷ سال	چاپ روی لباس
خانم.س	۲۹	متأهل	سوم راهنمایی	۱۳ سال	مونتاژکار
خانم.ع	۲۰	مجرد	کاردانی (در حال تحصیل)	۲ سال	کار در فروشگاه لوازم تحریر
خانم.خ	۲۵	متأهل	سیکل	۸ سال	بسته‌بندی محصول
خانم.ن	۲۱	مجرد	کارشناسی پیوسته (در حال تحصیل)	۱ سال	کارمند شرکت

میانگین سنی افراد حدود ۲۷ سال و میانگین مدت زمان گذشته از ترخیص، حدود ۸ سال است.

جدول شماره ۲: کد باز و کد محوری به دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده با دختران ترخیصی

کد محوری	کد باز
چالش‌های مسیر تحصیلی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• بی‌توجهی به تیپ شخصیتی در انتخاب رشته</li> <li>• فقدان راهنمایی متناسب تحصیلی</li> <li>• نارضایتی از رشته تحصیلی</li> <li>• محدودیت انتخاب رشته</li> <li>• مشکلات تحصیلی ناشی از جابه‌جایی</li> </ul>
چالش‌های مربوط به زیست در شبه‌خانواده	<ul style="list-style-type: none"> <li>• وجود نابرابری مالی</li> <li>• تأخیر در پرداخت حمایت مالی</li> <li>• محدودیت‌های مسافتی</li> <li>• مشروط بودن انتخاب کلاس‌ها</li> <li>• محدودیت حضور در جامعه پیش از ترخیص</li> <li>• تشویق به ازدواج از سوی مرکز</li> </ul>
فقدان آمادگی پیش از ترخیص	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نبود آموزش مستمر در مرکز</li> <li>• عدم آموزش مالی پیش از ترخیص</li> <li>• ترس از ترخیص به دلیل نداشتن آمادگی</li> <li>• نبود ذهنیت واقع‌بینانه نسبت به آینده</li> <li>• ترخیص پیش از بلوغ شغلی به دلیل ازدواج</li> </ul>
نقش دیگران بر تصمیم‌گیری شغلی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• برچسب منفی از سوی دیگران</li> <li>• تأثیر دیگران بر وابستگی در مرکز</li> <li>• تغییر مسیر تحت تأثیر مربی</li> <li>• تحقیر توسط خانواده</li> </ul>
چالش‌های انتخاب شغل	<ul style="list-style-type: none"> <li>• پذیرش شغل بدون علاقه به دلیل نیاز به سرپناه</li> <li>• پذیرش شغل نامطلوب به دلیل رفاه فرزندان</li> <li>• نداشتن مهارت کافی برای کسب شغل</li> <li>• کمبود تحصیلات مانع اشتغال مناسب</li> <li>• عدم بررسی شرایط کاری</li> <li>• محدودیت به مشاغل سطح پایین و فیزیکی</li> </ul>

کد محوری	کد باز
	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اشتغال خانگی غیررسمی</li> <li>• یافتن شغل از مسیر غیررسمی</li> </ul>
نقش مؤلفه‌های روان‌شناختی بر مسیرشغلی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• طرد شغلی</li> <li>• استرس ناشی از بحران مالی</li> <li>• تنهایی در برنامه‌ریزی آینده</li> <li>• خودکم‌بینی نسبت به دیگران</li> </ul>
تعارض نقش‌ها	<ul style="list-style-type: none"> <li>• هم‌زمانی کار و تحصیل</li> <li>• تعارض کار و خانواده</li> <li>• تعارض تحصیل و اشتغال</li> <li>• ممانعت خانواده از تحصیل و اشتغال</li> <li>• بارداری مانعی برای اشتغال</li> </ul>
ناامنی مالی و معیشتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اشتغال چندگانه برای تأمین زندگی</li> <li>• بدهی، اقساط و فشار مالی مستمر</li> <li>• ناتوانی در تأمین مسکن</li> <li>• سوءاستفاده خانواده از منابع مالی ترخیص</li> <li>• تعارض بین حمایت‌های مادی و نیازهای روانی در مرکز</li> </ul>
فروپاشی ساختارهای حمایتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• قطع حمایت کلی بعد از ترخیص</li> <li>• کمبود حمایت خدمات اجتماعی</li> <li>• فقدان حمایت خانواده</li> <li>• فقدان حامی پس از ترخیص</li> </ul>
چالش‌های ثبات شغلی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ابهام نقش و موقعیت شغل</li> <li>• استثمار شغلی در ازای سرپناه</li> <li>• فشار شغلی</li> <li>• بی‌احترامی</li> <li>• ترک شغل به دلیل مسافت</li> <li>• نبود مهارت‌های نرم</li> <li>• عدم پایبندی کارفرما به تعهدات</li> <li>• حقوق ناکافی و پرداخت نامنظم</li> <li>• بی‌اطلاعی از حقوق شغلی</li> </ul>

تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که تجربه زیسته افراد پس از حضور در مرکز، حول ۱۰ کد اصلی شکل گرفته است. این کدها ابعاد مختلف مسیر شغلی، تحصیلی، روانی و اجتماعی افراد را نشان می‌دهند که نقش مؤثری بر مسیر استقلال افراد دارد، و هر کد اصلی شامل کدهای فرعی‌ای می‌شود که با نقل‌قول‌های مصاحبه‌شوندگان مستند شده‌اند.

- کد اصلی اول: چالش‌های مسیر تحصیلی. این کد شامل کدهای فرعی‌ای همچون بی‌توجهی به تیپ شخصیتی در انتخاب رشته، فقدان راهنمایی متناسب تحصیلی، نارضایتی از رشته تحصیلی، محدودیت انتخاب رشته و اختلال در روند تحصیلی ناشی از جابه‌جایی است. یکی از افراد در رابطه با بی‌توجهی به تیپ شخصیتی این‌گونه بیان کرد: «*نمی‌رفتن استعداد بچه‌ها رو پیدا کنن، ما داخل مرکز کلی پرونده داشتیم، مثلاً پرونده تحصیلی داشتیم که تمام سوابق تحصیلیمون داخل اون ثبت می‌شد یا پرونده روان‌شناسی داشتیم ولی نمیدونم به چه دردی می‌خورد چون مثلاً من حفظیاتم خیلی ضعیف بود و اصلاً از چیزهای حفظی سر در نمی‌وردم. زمان انتخاب رشته هم نمی‌دونستم چی مناسبه؟ و زمانی که مدرسه رشته‌ها رو اولویت‌بندی کرد، ادبیات اولویت پنجم من بود ولی مدیر بهم گفت بهتره بری ادبیات»* (مصاحبه‌شونده شماره ۳). در رابطه با فقدان راهنمایی مناسب تحصیلی این‌گونه بیان کردند: «*همه اونجا میدونستن من وکالت دوست دارم، نمی‌دونم از کجا علاقه پیدا شد ولی راهنمایی نکردن اگه این رشته رو دوست داری باید چیکار کنی؟ چی رو بخونی»* (مصاحبه‌شونده شماره ۶).
- کد اصلی دوم: چالش‌های مربوط به زیست در شبه‌خانواده. این کد شامل کدهای فرعی‌ای مانند: وجود نابرابری مالی، تأخیر در پرداخت حمایت مالی، محدودیت‌های مسافتی، مشروط بودن انتخاب کلاس‌ها، محدودیت حضور در جامعه پیش از ترخیص، تحمیل ازدواج از سوی مرکز است. نابرابری‌های مالی در مرکز یکی از موانع و چالش‌هایی بود که در بین صحبت ترخیص‌شدگان به آن اشاره شد: «*من به جز پولی که موقع ترخیص بهمون میدن چیزی نداشتم، برای بقیه بچه‌ها حساب باز کرده بودن و براشون هر ماه مقداری پول کنار می‌ذاشتن ولی من چون فقط چند سال اونجا بودم برام حسابی باز نکردن»* (مصاحبه‌شونده شماره ۵). در ارتباط با تأخیر در پرداختن حمایت‌های مالی پس از ترخیص

این‌گونه اشاره شد: «یک سال بعد از زمانی که ترخیص شدم ۲۶۰ میلیون بهم دادن و کلاً خیلی دیر پرداخت میشه، یعنی کلاً فرایند این شکلیه، هر موقع ترخیص بشی یکسال بعد کارهای اداریش انجام میشه و توی اون یکسال من خیرم بود ولی کلاً کسی نیست که از بچه‌ها حمایت کنه» (مصاحبه‌شونده شماره ۷).

- کد اصلی سوم: فقدان آمادگی پیش از ترخیص. این کد شامل کدهای فرعی همچون نبود آموزش مستمر در مرکز، عدم آموزش مالی پیش از ترخیص، ترس از ترخیص به دلیل نداشتن آمادگی و نبود ذهنیت واقع‌بینانه نسبت به آینده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که افراد در آستانه ترخیص و بعد از آن متوجه می‌شوند این است که برای زندگی، کار و حضور در جامعه آمادگی ندارند و آموزشی برای آن دریافت نکرده‌اند. «ما در ارتباط با اینکه از فردای روز ترخیص باید چیکار کنیم هیچ چیزی نمی‌دونستیم، این‌طوری نبوده که بگید اونجا به ما چیزی یاد می‌دند» (مصاحبه‌شونده شماره ۲). در رابطه با نبود آموزش مستمر یکی از مشارکت‌کنندگان اشاره کرد: «یه سری معلم‌های گروهی می‌اومدن مثل موسیقی ولی خب هر کلاسی مقطعی بود، برامون قالی‌بافی می‌داشتن و تمام دار و قالی هم بهمون میدادن، دو جلسه می‌گذشت بعدش دیگه نمی‌ومدن؛ مربی هم حسش رو از دست میداد و جلسات کنسل می‌شد» (مصاحبه‌شونده شماره ۷).
- کد اصلی چهارم: نقش روابط اجتماعی بر تصمیم‌گیری شغلی. این کد شامل کدهای فرعی‌ای همچون برچسب منفی از سوی دیگران، تأثیر دیگران بر وابستگی به مرکز، تغییر مسیر تحت تأثیر مربی و احساس بی‌ارزشی از سوی خانواده است. در رابطه با برچسب منفی، فردی بیان کرد: «بعضیا فکر می‌کردن من نمی‌تونم بعد از ترخیص زندگی خوبی داشته باشم و فکر می‌کردن از پس چیزی برنمیام» (مصاحبه‌شونده شماره ۳). در رابطه با تغییر مسیر تحت تأثیر مربی: «خیلی‌ها تلاش کردن من رو منصرف کنن از راهم یا ضدحال شدید بهم میزدن ولی من نداشتم انجامش بدن، مثلاً مربی‌ها میگفتن رفتی خیاطی که چی بشه؟ چی داری می‌دوزی حالا؟ چه کار خاصی انجام میدی؟ این رشته بود تو رفتی؟» (مصاحبه‌شونده شماره ۱).
- کد اصلی پنجم: چالش‌های انتخاب شغل. این کد محوری شامل کدهای فرعی‌ای

شامل پذیرش شغل بدون علاقه به دلیل نیاز به سرپناه، پذیرش شغل نامطلوب به دلیل رفاه فرزندان، نداشتن مهارت کافی برای کسب شغل، کمبود تحصیلات مانع اشتغال مناسب، عدم بررسی شرایط کاری، محدود شدن به مشاغل سطح پایین و فیزیکی، اشتغال خانگی غیررسمی و یافتن شغل از مسیر غیررسمی است. در رابطه با پذیرش شغل بدون علاقه به دلیل نیاز به سرپناه بیان کردند: «من زمانی که از خونه بابام اومدم بیرون ۶ ماه رفتم پرستاری یه پیرزن، خب جایی رو اولش نداشتم و مجبور شدم برم پرستاری تا جای خواب داشته باشم با اینکه حقوقشم برام خیلی کم بود» (مصاحبه‌شونده شماره ۷). در ارتباط با فقدان مهارت‌های تخصصی برای ورود به کار بیان کردند: «کلاس‌های هنری متفاوتی می‌داشتن ولی در اصل نمی‌شد از اونا پول دربیاری مثلاً کارهای دکوپاژ و ترانسفر... ولی هیچ کدومش نمی‌تونست برای امرار معاش باشه» (مصاحبه‌شونده شماره ۴).

- کدمحوری ششم: نقش مؤلفه‌های روان‌شناختی بر مسیر شغلی. این کد محوری شامل مواردی همچون تجربه طرد شغلی، استرس مداوم ناشی از بحران مالی، تنهایی در برنامه‌ریزی آینده و خودکم‌بینی نسبت به دیگران در جامعه می‌شود. در رابطه با استرس مداوم ناشی از بحران مالی اشاره کردند: «وقتی تازه از مرکز ترخیص شده بودم، یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌هام پرداخت اجاره خونه بود. واقعاً نمی‌دونستم چطور باید این پول رو جور کنم، چون حقوقم خیلی کم بود و هر ماه استرس داشتم که نکنه نتونم پول رو جور کنم» (مصاحبه‌شونده شماره ۴). یکی از آنها در ارتباط با خودکم‌بینی نسبت به دیگر افراد جامعه بیان کرد: «بچه‌های مرکز به خاطر اون فقدانیه که دارن همیشگی خودشون رو پایین‌تر می‌دونن، هم توی مدرسه هم دانشگاه و سرکار؛ فکر می‌کنن آدم‌های دیگه از اونا بهترن» (مصاحبه‌شونده شماره ۷).

- کدمحوری هفتم: تعارض نقش‌ها است و شامل مواردی مثل همزمانی کار و تحصیل، تعارض کار و خانواده، تعارض تحصیل و اشتغال، ممانعت خانواده از تحصیل و اشتغال، بارداری مانعی برای اشتغال است. یکی از این افراد در رابطه با همزمانی کار و تحصیل این‌گونه بیان کرد: «لان هم دارم دانشگاه رو واحد مجازی برمی‌دارم که بیشتر زمانم رو سرکار باشم ولی اون زمان چون حضوری بودم

بحث همدل کردن دانشگاه و کار خیلی سخت میشد؛ چون همش ریاضی و امار بود... خیلی سخت بود، چون معدلم کم می شد و کلافه می شدم و باید تا صبح بیدار می موندم اومدم بیرون و دنبال کار سبک تر گشتم که با دانشگاهم تداخل نداشته باشه، هم کار کنم و هم درس بخونم» (مصاحبه شونده شماره ۷). در رابطه با تعارض کار و تربیت فرزندان بیان کردند: «از وقتی که کار و اینجور چیزا ریخته رو سرمون و سرکار میرم، رسیدگی به بچه هام خیلی سخت شده، نمیرسم بهشون، نمیتونم حواسم هم به کار و هم به تحصیل بچه ها باشه» (مصاحبه شونده شماره ۲).

- کدمحوری هشتم: ناامنی مالی و معیشتی. این کدمحوری شامل مواردی چون اشتغال چندگانه برای تأمین زندگی، بدهی، اقساط و فشار مالی مستمر، ناتوانی در تأمین مسکن، سوءاستفاده خانواده از منابع مالی ترخیص و تعارض بین حمایت های مادی و نیازهای روانی در مرکز را شامل می شود. در رابطه با بدهی، اقساط و فشار مالی مستمر اشاره شد: «الان من چون مثلاً قسط زیاد می دم، نزدیکای ده یازده تا قسط میدم، میگم قسطام تموم بشه پولامو جمع کنم طلا بگیرم، با دوستام برم سفر؛ منتظرم قسطم تموم بشه؛ می تونم جمع کنم واسه دل خودم یا می تونم جمع کنم مانتویی واسه خودم بگیرم یا باشگاهی ثبت نام کنم واسه خودم، هر کاری که دوست دارم انجام بدم» (مصاحبه شونده شماره ۵). یکی از مشارکت کنندگان در رابطه با سوءاستفاده خانواده از پول ترخیصی اعلام کرد: «داداشم پول منو خورد یعنی پول ترخیصم به باد رفت، من فکر می کردم داداشم می خواد برای من نگه داره، گفت پولت تو دستم باشه که الکی نری خرج کنی» (مصاحبه شونده شماره ۳).

- کدمحوری نهم: فروپاشی ساختارهای حمایتی. این کدمحوری شامل مواردی همچون کمبود حمایت خدمات اجتماعی، فقدان حمایت خانواده، فقدان حامی پس از ترخیص است. یکی از افراد در رابطه با فقدان حامی پس از ترخیص بیان کرد: «من توی دورانی که توی مرکز بودم یه حامی داشتم ولی دیگه خیلی باهاش ارتباطی ندارم، چون اون کار و زندگی خودش رو داره» (مصاحبه شونده شماره ۵). همین فرد در ادامه بیان کرد: «قبل از ترخیص من رو فرستادن جایی برای کار کردن که قبل از اینکه ترخیص بشم کار توی جامعه رو تجربه کنم ولی

بعد از ترخیص بهم دیگه اجازه ندادن اونجا کار کنم، داروخونه یکی از حامی‌ها و خیرین مرکز بود که مدیر مرکز باهاش صحبت کرده بود من برم اونجا، بعد از ترخیص وقتی بهش گفتم بذار من اینجا کار کنم گفت نه همیشه و من فقط تا زمان ترخیصت میتونستم بذارم اینجا کارکنی» (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

- کدمحوری دهم: چالش‌های ثبات شغلی. این کدمحوری شامل مواردی چون ابهام نقش و موقعیت شغل، استثمار شغلی در ازای سرپناه، فشار شغلی، بی‌احترامی، ترک شغل به دلیل مسافت، نبود مهارت‌های نرم، عدم پایبندی کارفرما به تعهدات، حقوق ناکافی و پرداخت نامنظم و بی‌اطلاعی از حقوق شغلی می‌شود. یکی از افراد در رابطه با فشار شغلی بیاد کرد: «من اینجا با یه پیرزنی زندگی می‌کنم که به‌عنوان پرستار پیشش هستم ولی معلوم نیست پرستارم یا کلفت، من اصلاً تایم استراحت ندارم» (مصاحبه‌شونده شماره ۱) یا یکی از افراد در رابطه با ترک شغل به دلیل مسافت بیان کرد: «اولش که ترخیص شدم یه تایمی خواهرم اینا شیش هفت ماه رفتن گیلاوند، منم مجبور شدم باهاشون برم اونجا، اونجا خارج از تهران بود، مسیر رفت و آمد سخته، من از اونجا باید می‌اومدم اول ورودی بومه پردیس اونجا سرکار» (مصاحبه‌شونده شماره ۲).

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه زیسته ترخیص‌شدگان مراکز شبه‌خانواده از چالش‌های مسیر شغلی در گذار به استقلال انجام شد. طبق نتایج به‌دست آمده نوجوانان بعد از ترخیص با چالش‌های بسیاری در مسیر استقلال و دستیابی به شغل روبه‌رو می‌شوند مانند گسست، سردرگمی و ناکامی در مسیر تحصیلی؛ مداخلات و محدودیت‌های ساختاری مرکز در مسیر رشد و استقلال؛ فقدان آموزش و آمادگی مؤثر پیش و هنگام ترخیص برای زندگی مستقل؛ نقش تجارب و روابط با دیگران بر تصمیم‌گیری‌های مسیر شغلی؛ محدودیت در انتخاب و کیفیت مشاغل؛ نقش مؤلفه‌های روان‌شناختی در مسیر شغلی؛ تعارض نقش‌های شغلی، تحصیلی و خانوادگی؛ ناامنی معیشتی و ناتوانی در حفظ منابع مالی و زیستی؛ فروپاشی ساختارهای حمایتی و روابط پشتیبان و چالش محیط کاری و دشواری در تثبیت شغل پایدار. در ادامه نتایج به‌دست آمده این پژوهش را با

پژوهش‌های انجام شده مقایسه می‌کنیم.

در رابطه با چالش‌های مسیر تحصیلی، پژوهش‌های گذشته نشان داده است که ناکامی تحصیلی در دوره نوجوانی تأثیرات قابل‌توجهی بر مسیر شغلی و استقلال اقتصادی افراد دارد؛ دانش‌آموزانی که در مسیر تحصیلی خود با شکست و دشواری همراه می‌شوند بیشتر از سایر همسالان خود تحصیل را کنار می‌گذارند و بدون ادامه تحصیل، وارد بازار کار می‌شوند و عمدتاً نیز در مشاغل ناپایدار، غیرماهر و دستمزدی کم فعالیت دارند؛ این افراد کم‌تر احتمال دارد تحصیلات خود را ادامه دهند (Salamon, 2020). همچنین این یافته در مطالعه دیگری نیز تأیید می‌شود که بیان می‌کند اکثر افرادی که تجربه گسست تحصیلی دارند پیامدهای گسترده‌ای مانند اشتغال در مشاغل ناپایدار، کم‌درآمد و غیررسمی را در مسیر شغلی و گذار به استقلال خود تجربه کرده‌اند؛ علاوه بر این، ترک تحصیل مانع توسعه مهارت‌های لازم برای بازار کار می‌شود؛ همچنین در حوزه اجتماعی به‌ویژه برای زنان، محدودیت‌های بیشتری مانند سلطه خانواده را به‌وجود می‌آورد (Kiprianos & Mpourgos, 2024). یکی از مواردی که باعث ناکامی در مسیر تحصیلی می‌شود عدم شناسایی استعداد و بی‌توجهی به تفاوت‌های شخصیتی است. نصیری‌فرد و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «اهمیت انتخاب رشته تحصیلی بر اساس استعدادها و علاقه‌ها» بیان می‌کنند که نقش علاقه‌مندی‌ها، توانایی‌ها و استعدادیابی در فرایند انتخاب رشته تحصیلی بسیار بااهمیت است و در ادامه تأکید دارند که توجه به هماهنگی بین رشته تحصیلی و ویژگی‌های فردی موجب افزایش رضایتمندی و موفقیت تحصیلی و شغلی در آینده می‌شود. در کنار عدم شناسایی استعداد و تفاوت شخصیتی، در رابطه با فقدان راهنمای مؤثر در مسیر تحصیلی، مطالعه‌ای در هند که بر روی ۳۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی انجام گرفت نشان داد، خدمات راهنمایی تحصیلی‌گروهی تأثیر قابل‌توجهی بر عملکرد تحصیلی، سلامت روانی و تصمیم‌گیری شغلی دانش‌آموزان دارد. همچنین ارائه راهنمایی منظم باعث می‌شود دانش‌آموزان وضوح بیشتری در انتخاب مسیر تحصیلی و شغلی خود کسب کنند (Barmola, 2024). در کنار عواملی که بیان شد مواردی دیگری مانند جابه‌جایی مکرر دانش‌آموزان شبه‌خانواده می‌تواند روند تحصیلی را مختل کند. براساس پژوهش پرز، کیم و بوچانان و همکاران (۲۰۱۵)، جابه‌جایی‌هایی که در دوران تحصیل صورت می‌گیرد می‌تواند تأثیر

منفی پایداری بر مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و حتی انگیزش تحصیلی آنها داشته باشد؛ به‌ویژه زمانی که این تغییرات در سال‌های ابتدایی تحصیل رخ بدهد.

کد محوری دوم دریافت‌شده، چالش‌های زیست در مرکز شبه‌خانواده است. مطالعه برامسن<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد، محدودیت‌های ساختاری مانند کمبود فرصت تصمیم‌گیری و کنترل‌های سخت‌گیرانه، باعث کاهش خودمختاری و مشکلاتی در کسب مهارت‌های زندگی مستقل می‌شود. همچنین مطالعات نشان داده است که کیفیت مراقبت و حمایت در مراکز شبه‌خانواده، نقش حیاتی در گذار به استقلال دارد. ساختارهای محدودکننده در مراکز می‌توانند فرصت‌های رشد و تصمیم‌گیری مستقل را کاهش دهند و باعث ایجاد چالش‌های جدی در مسیر استقلال شوند (Stein, 2006). یکی از موانع موجود در مرکز که به‌صورت غیرمستقیم باعث چالش در آینده و گذار به استقلال می‌شود، عدم آینده‌نگری است که خود باعث محدودیت‌ها و چالش‌های گسترده‌ای می‌شود. مطالعات نشان می‌دهند که ترخیص‌شدگان، به‌دلیل فشارهای فوری و نبود حمایت ساختاری، عمدتاً فاقد برنامه‌ریزی مؤثر برای آینده هستند؛ هرچند ممکن است در سطح ذهنی، امیدهایی نسبت به آینده داشته باشند (Bengtsson, Sholblom & Hojer, 2018). یکی دیگر از این محدودیت‌ها، فقدان امکان تجربه واقعی حضور در جامعه پیش از ترخیص است. هلونگوانی و ون‌بردا<sup>۷</sup> (۲۰۲۴) نشان می‌دهند در نبود مفهوم «MOI»<sup>۸</sup> یا همان فرصت‌های مدیریت‌شده برای تجربه تدریجی استقلال، ترخیص‌شدگان بدون آمادگی و تجربه عملی در مدیریت مالی، تصمیم‌گیری شخصی یا تعامل اجتماعی، وارد دنیای مستقل می‌شوند و این فرایند اضطراب‌آور است و تاب‌آوری افراد را کاهش می‌دهد، همچنین تجربه استقلال را سخت می‌کند.

کدمحوری سوم دریافت‌شده از مصاحبه‌ها، فقدان آمادگی پیش از ترخیص است. در یک گزارش رسمی منتشرشده توسط نهاد نظارتی خدمات کودکان در انگلستان (Ofsted, 2022)، آمده است که بیش از یک‌سوم از افراد تحت مراقبت، احساس کرده‌اند که بسیار زودتر از زمان مناسب، مراقبت را ترک کرده‌اند. به‌ویژه، آن‌هایی که بدون آمادگی و به‌صورت ناگهانی از مرکز جدا شده‌اند، اظهار داشته‌اند که برای مدیریت تغییرات ناگهانی زندگی آماده نبوده‌اند. طبق این گزارش، بسیاری از جوانان تحت مراقبت اعلام کرده‌اند که

6. Bramsen

7. Hlungwani & Van Breda

8. Managed Opportunities for Independence

مهارت‌های اساسی زندگی مستقل، مانند خرید، آشپزی، یا مدیریت مالی را پیش از ترخیص نیاموخته‌اند. این یافته‌ها، اهمیت آموزش ساختاریافته و برنامه‌ریزی‌شده را پیش از ترخیص به‌روشنی نشان می‌دهد. مرور نظام‌مند انجام شده توسط فدر<sup>۹</sup> و همکاران (۲۰۲۳) تأکید می‌کند که در اغلب مداخلات موجود، آموزش پیش از ترخیص به‌طور ناکافی ارائه می‌شود و بسیاری از ترخیص‌شدگان بدون تجربه و پشتیبانی مستمر، وارد جامعه می‌شوند. مطالعه مروری انجام شده توسط استار<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که برای گذار موفق از مراقبت و رسیدن به استقلال، توسعه مهارت‌های زندگی مستقل (ILS)<sup>۱۱</sup> مانند مدیریت مالی، ارتباطات، حل مسئله و برنامه‌ریزی شخصی، امری ضروری است. با این حال، واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد که بسیاری از ترخیص‌شدگان این مهارت‌ها را پیش از ترک مرکز دریافت نکرده‌اند. یکی از نگرانی‌های جدی در فرایند ترخیص، تجربه اضطراب، نااطمینانی و احساس آمادگی نداشتن در مواجهه با استقلال و تفاوت بین دوران مرکز و پس از ترخیص است؛ به‌ویژه زمانی که حمایت‌های خدماتی به‌طور ناگهانی یا ناهماهنگ قطع می‌شوند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این وضعیت می‌تواند سلامت روان ترخیص‌شوندگان را تحت‌تأثیر قرار دهد و گذر آنها به زندگی مستقل را با چالش مواجه سازد (Butterworth, Singh, Birchwood, et al., 2016).

کدمحوری چهارم استخراج شده از مصاحبه‌ها، نقش روابط اجتماعی بر تصمیم‌گیری شغلی است. در روایت مشارکت‌کنندگان، نقش دوستان، مربیان، هم‌مرکزها و حتی افراد ترخیص‌شده پیشین در شکل‌گیری تصمیم‌های شغلی، بسیار پررنگ بود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کیم<sup>۱۲</sup> و همکاران (۲۰۲۳) همسو است که بیان می‌کند روابط دوستانه تأثیر مهمی بر رشد و تقویت خودکارآمدی در تصمیم‌گیری شغلی نوجوانان دارد. نتایج پژوهش دیگری نشان می‌دهد مراقبان در مراکز اقامتی نقشی فراتر از مراقبت روزمره دارند و با حمایت عاطفی و آموزش، زمینه‌ساز برای توانمندسازی نوجوانان هنگام تصمیم‌گیری شغلی و ترخیص موفق هستند (Reznikovski & Gerasimenko, 2020). همچنین یکی چالش‌های دیگری که بچه‌های ترخیص شده از مراکز شبه‌خانواده به آن اشاره کردند شنیدن انتقادات

9. Feather

10. Starr

11. Independent Living Skills

12. Kim

منفی از جانب خانواده‌های زیستی خود و مریبان است. برنیر<sup>۱۳</sup> و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود بیان کردند کیفیت مراقبت اولیه، به‌ویژه حساسیت نسبت به پاسخ‌گویی، نقش مهمی در شکل‌گیری خودکارآمدی و خودباوری کودکان دارد. مراقبت‌کننده حساس، با ایجاد امنیت عاطفی، زمینه‌ای برای رشد مهارت‌های خودتنظیمی فراهم می‌کند؛ خودتنظیمی پایه خودباوری است.

کدمحوری پنجم به‌دست آمده از مصاحبه‌ها، چالش‌های انتخاب شغل است. در مطالعه‌ای با بررسی تجربه ۲۸ زن شاغل یافته‌ها نشان داد که زنان در بسیاری از موارد، انتخاب شغل را به‌دلایلی مانند تأمین رفاه فرزندان، فشار اقتصادی خانواده، و عدم همراهی همسر در خانه انجام می‌دهند. همچنین زنانی که در مشاغل خانگی یا غیررسمی فعالیت داشتند به‌دلیل کنترل بیشتر بر زمان‌بندی و محیط کار، با تعارض کمتری روبه‌رو بودند. به‌طورکلی تصمیم‌گیری شغلی زنان در شرایط ساختاری موجود، بیش از آنکه بر مبنای علاقه‌مندی باشد، متأثر از عوامل اقتصادی، فرهنگی و حمایتی است (رازقی نصرآباد و حسینی، ۱۳۹۸). یکی دیگر از مواردی که باعث چالش و محدودیت در انتخاب شغل می‌شود، نداشتن مهارت است. دوالی و علی‌پور (۱۴۰۰) در پژوهشی بیان کردند که نداشتن مهارت شغلی کافی، از طریق افزایش فرسودگی شغلی می‌تواند رضایت شغلی را کاهش دهد و افراد را به انتخاب شغلی سوق دهد که به آن علاقه ندارند. در همین راستا پژوهش دیگری با هدف بررسی تأثیر مهارت‌آموزی بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی انجام شد که نتایج آن بر اهمیت ارتقا و بهبود کیفیت نیروی کار از طریق آموزش مهارت تأکید دارد؛ آموزش‌هایی که به‌دلیل تأثیرگذاری فردی و اجتماعی، مورد توجه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه قرار گرفته‌اند (رضایی، ۱۴۰۱).

کدمحوری ششم به‌دست آمده از مصاحبه‌های صورت گرفته در پژوهش، نقش مؤلفه‌های روان‌شناختی بر مسیر شغلی است. مطالعه‌ای که توسط هوجین<sup>۱۴</sup> (۲۰۲۱) به‌عنوان رساله دکتری انجام شده است، نشان می‌دهد که انتقال از مراقبت به استقلال هنگام رسیدن به بزرگسالی می‌تواند چالش‌برانگیز باشد و منجر به مشکلات روانی و جسمی و کاهش کیفیت زندگی شود. این افراد با استرس بالا مواجه هستند که مقابله و سازگاری با زندگی اجتماعی را دشوار می‌کند. همچنین مطالعات نشان می‌دهند جوانانی که از سیستم

13. Birneanu

14. Hogin

مراقبت خارج می‌شوند اغلب بدون مهارت‌ها و حمایت لازم وارد بزرگسالی می‌شوند. آنها با مشکلاتی مانند بیکاری، نداشتن تحصیلات کافی، بی‌ثباتی مالی روبه‌رو هستند که این شرایط همراه با نبود مهارت‌های زندگی، منجر به افزایش استرس، احساس تنهایی، بی‌اعتمادی به آینده و فشارهای روانی می‌شود که مسیر خودکفایتی را دشوار می‌سازد (Courtney, Dworsky, Cusick et al, 2007). پژوهش دیگری اشاره می‌کند کودکان تحت سرپرستی به‌طور قابل‌توجهی در معرض مشکلات روانی و عاطفی هستند که بخش عمده‌ای از آن به دلیل الگوهای دلبستگی ناایمن در روابط قبلی با والدین بیولوژیکی یا مراقبان گذشته است. این کودکان غالباً از سوی جامعه، انگ بی‌سرپرستی دریافت می‌کنند؛ موضوعی که مستقیماً بر عزت نفس آنها اثرگذار است. نمرهای پایین مقیاس عزت نفس به دسته آمده در این پژوهش نشان‌دهنده تأثیر عمیق اختلالات دلبستگی بر هویت شخصی این افراد است (Birneanu, 2014). پژوهش دیگری بیان می‌کند که جوانان تحت سرپرستی در فرایند گذار به بزرگسالی، با نرخ بالاتری از اختلالات روانی مواجه هستند؛ به‌گونه‌ای که میزان ابتلا به اختلالات سلامت روان در این گروه، بین دو تا چهار برابر بیشتر از جمعیت عمومی هم سن آنها است (Havlicek, 2013).

کدمحوری هفتم استخراج شده از صحبت‌های افراد ترخیصی، تعارض نقش‌ها است. در پژوهشی روابط بین کار و تحصیل بررسی شد. داده‌ها از ۶۶۱ دانشجوی جمع‌آوری شد و نتایج نشان داد که تعارض و تسهیل بین کار و تحصیل می‌تواند همزمان وجود داشته باشد. ساعات کاری بیشتر و نیاز مالی با کاهش نمره‌ها، تضعیف برنامه‌های دانشگاهی و افزایش افسردگی مرتبط بود، درحالی‌که حمایت شغلی، اجتماعی و دانشگاهی با بهبود انگیزه و عملکرد تحصیلی همراه بود (Cinamon, 2015). در پژوهش دیگری بیان شد دانشجویان بزرگسال جوان با سابقه مراقبت از فرزند، در مقایسه با دانشجویان عادی، فشار و تعارض نقش‌های مختلف را تجربه می‌کنند. آنها علاوه بر تحصیل، بار اقتصادی و مسئولیت‌های مراقبتی غیررسمی خانوادگی بیشتری دارند که این موضوع فشار روانی و جسمی‌شان را افزایش می‌دهد. هرچند سلامت و رضایت از زندگی آنها پایین‌تر است؛ اما یافته این پژوهش نشان داد با وجود تعارض‌ها، عملکرد تحصیلی نسبتاً خوبی دارند (Lehmann, 2024). پژوهش دیگری نشان می‌دهد که یکی از دلایل اصلی ترک تحصیل در آموزش عالی، سطح پایین اجتماعی- اقتصادی دانشجویان است. مشکلات مالی می‌تواند منجر به استرس و ناامیدی

شود و در نهایت تصمیم به ترک تحصیل بگیرند (Lorenzo\_Quiles, 2023). موضوع دیگری که از بین صحبت‌های مشارکت‌کنندگان راجع به تعارض نقش‌ها دریافت گردید، بارداری و فرزندپروری در زمان اشتغال بود. رئیس‌السادات و مالک‌الساداتی (۱۴۰۳) در پژوهش خود بیان کردند که مادر بودن به‌طور مستقل ۵٪ شانس اشتغال زنان را کاهش می‌دهد. این کاهش حتی با کنترل متغیرهای مؤثر بر عرضه و تقاضای نیروی کار یا فرهنگ، تأثیر باقی مانده‌ای را نشان می‌دهد که ناشی از تبعیض‌های ساختاری و نهادی علیه این گروه است.

کدمحوری هشتم به‌دست آمده از صحبت‌های ترخیص‌شدگان از مراکز شبه‌خانواده، ناامنی مالی و معیشتی است. بر اساس نظریه مزلو<sup>۱۵</sup> (۱۹۴۳) تأمین نیازهای اولیه همچون غذا، سرپناه و امنیت مالی پیش‌شرط دستیابی به سطوح بالاتر شده است. نبود معیشت پایدار و ناتوانی در حفظ منابع مالی موجب می‌شود فرد در سطوح پایه‌ای هرم مزلو یعنی نیازهای جسمانی بماند و انرژی او صرفاً برای برطرف کردن نیازهای اولیه استفاده شود. این وضعیت در میان ترخیص‌شدگان از مراکز مراقبتی می‌تواند مانع شکل‌گیری برنامه‌ریزی برای آینده شود. یکی از چالش‌های اساسی جوانانی که از مراکز نگهداری موقت ترخیص می‌شوند، ناامنی در حوزه مسکن است. در مطالعه‌ای که با استفاده از داده‌های طولی انجام شده است، مشخص شد که این جوانان سه مسیر متفاوت در حوزه مسکن را تجربه می‌کنند: امن، متزلزل و ناامن. ۲۱ درصد آنها حداقل یک‌بار اخراج از محل سکونت را تجربه کرده‌اند. عوامل مؤثر بر ناامنی مسکن شامل مشکلات اقتصادی در سنین ۲۱ تا ۲۶ سال، ناامنی غذایی و نداشتن کمک هزینه برای مسکن است (Tully, 2022). بر اساس یافته‌های یک مطالعه طولی در کالیفرنیا، حدود نیمی از جوانانی که از مراکز نگهداری موقت خارج شده‌اند، در سنین ۱۹ و ۲۱ سالگی با مشکلات اقتصادی جدی مانند قطع خدمات عمومی یا اخراج از محل سکونت مواجه شده‌اند. این مشکلات اقتصادی اغلب پیش درآمدی بر بی‌خانمانی و فقر پایدار محسوب می‌شوند (Nadon, Park, Feng et al., 2022).

کدمحوری نهم استخراج شده از گفته‌های افراد ترخیصی، فروپاشی ساختارهای حمایتی است. پژوهش انجام شده توسط کوری و آبرامز<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۵) نشان می‌دهد جوانانی که از سیستم مراقبت خارج می‌شوند اغلب از حمایت‌های اجتماعی موجود جدا می‌شوند و این جدایی باعث فروپاشی ساختارهای حمایتی و روابط پشتیبان می‌شود. همچنین این پژوهش

15. Maslow

16. Curry & Abrams

نشان داد فشار برای دستیابی به استقلال کامل ممکن است مانع ایجاد روابط حمایتی شود که برای پایداری مسکن و زندگی آنها ضروری است. شواهد مربوط به پژوهش دیگری نشان می‌دهد جوانان پس از ترک مراکز مراقبتی، اغلب حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و عاطفی خود را از دست می‌دهند و با مشکلاتی نظیر بیکاری، بی‌خانمانی، ترک تحصیل و سوءمصرف مواد و جرم مواجه می‌شوند. آماده‌سازی ناکافی پیش از ترخیص و ضعف شبکه‌های حمایتی از عوامل اصلی این چالش‌ها هستند (Pote, Dykes & Carelse, 2022). فتحی و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش موانع و چالش‌های نوجوانان دختر مراکز شبه‌خانواده بهزیستی برای شروع زندگی مستقل، بیان کردند، عدم حمایت، یک چالش برای نوجوانان شبه‌خانواده است که مانعی برای شروع زندگی مستقل است در ادامه بیان می‌کنند نوجوانان به حمایت بهزیستی نیازمند هستند؛ زیرا بخشی از زندگی خود را در این مراکز سپری کرده‌اند و قطع حمایت باید به صورت مرحله‌ای صورت بگیرد و قطع یکباره شرایط سختی را برای آنان به وجود می‌آورد.

کدمحوری دهم دریافت از از مصاحبه‌های صورت گرفته چالش‌های ثبات شغلی است. بر اساس گزارش مرکز Rees در دانشگاه آکسفورد، افراد ترک‌کننده مراکز مراقبتی، اغلب با اشتغال ناپایدار، مشاغل ناامن و فشار مالی برای تأمین نیازهای اولیه مواجه‌اند (Harrison, Dixon, Saunders-Ellis et al., 2023). در گزارش (Children now 2022)، بیان شده است که اشتغال، کلید موفقیت جوانان در گذار به بزرگسالی است؛ اما جوانانی که در دوره انتقال (معمولاً سنین نوجوانی تا اوایل ۲۰ سالگی) یا قبل از آن در مراکز مراقبتی (مهدکودک یا مراکز شبه‌خانواده) بوده‌اند، موانع جدی برای پیدا کردن و حفظ شغل‌های معنادار دارند. این جوانان نسبت به همسالان خود که چنین تجربه‌ای نداشته‌اند، نرخ بیکاری بالاتری دارند و اگر هم شاغل شوند، معمولاً درآمد کمتری دریافت می‌کنند. حضور طولانی‌تر در مراقبت‌های جایگزین ممکن است نتایج اشتغال آن‌ها را نسبت به کسانی که زودتر از مراقبت خارج شده‌اند بهتر کند؛ اما همچنان نسبت به همسالان بدون تجربه مراقبت، وضعیت بدتری دارند. در پژوهش دیگری بیان شد موانع دستیابی به اشتغال شامل کمبود مهارت و تجربه، برچسب‌زنی و تبعیض وضعیت نامناسب سلامت روانی بود. همچنین موانع حفظ اشتغال نیز شامل تعارضات بین‌فردی در محیط کار، نارضایتی شغلی، حقوق و شرایط کاری نامطلوب و تأثیرات منفی ناشی از همه‌گیری کووید ۱۹ بود (VanBreda, 2025).

در پایان لازم است اشاره شود که با وجود دستاوردهای به دست آمده، چند محدودیت وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. اولاً تعداد شرکت‌کنندگان محدود بود و دسترسی به نمونه‌های بیشتر ممکن نشد؛ بنابراین ممکن است نتایج مطالعه به تمامی دختران ترخیص‌شده از مراکز شبه‌خانواده قابل تعمیم نباشد. ثانیاً داده‌ها از طریق مصاحبه خوداظهاری جمع‌آوری شدند و ممکن است تحت‌تأثیر نگرش‌های شخصی قرار گرفته باشند. با توجه به محدودیت‌ها، پژوهش‌های آینده می‌توانند با نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تر و استفاده از روش‌های ترکیبی و بررسی طولانی‌مدت، تصویری جامع‌تر از مسیر استقلال و موفقیت شغلی ترخیص‌شدگان ارائه دهند. همچنین با توجه به یافته‌های این پژوهش، توصیه می‌شود سیاست‌گذاران و مراکز شبه‌خانواده برنامه‌هایی طراحی کنند که مهارت‌هایی را که مسیر استقلال و موفقیت شغلی را تسهیل می‌کنند، پرورش دهند.

○ **ملاحظات اخلاقی پژوهش:** تمامی شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است.

○ **سهم نویسندگان:** نویسندگان مسئول تمامی مراحل فرایند پژوهشی را به‌تنهایی مدیریت نموده و مسئول نگارش مقاله است.

○ **حمایت مالی:** این مقاله تحت حمایت مالی-معنوی جایی نبوده و نویسندگان هزینه‌های آن را تقبل نموده‌اند.

○ **تعارض منافع:** یافته‌های این مطالعه هیچ‌گونه تضاد با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.

○ **قدردانی:** از کلیه مشارکت‌کنندگانی که با شرکت خود در پژوهش، به روند اجرای طرح کمک کردند، سپاسگزاری می‌شود.

## منابع

باقری، ماریتا؛ محمدی، اصغر و اسماعیلی، رضا (۱۴۰۲). تجربه زیسته جوانان بی‌سرپرست در گذر به زندگی مستقل و ورود به جامعه در شهر تهران. *پژوهشنامه*

*مدیرکاری اجتماعی*، ۱۰(۳۸)، ۱-۴۴. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2024.74915.699>

بشلیده، فرشته و قربان‌پور لقمجانی، امیر (۱۴۰۲). تجربه زیسته دختران نوجوان از زندگی در مراکز شبه‌خانواده. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۲۳(۸۹)، ۲۸۵-۴۴۱.

<https://doi.org/10.32598/refahj.23.89.4020.1>

- بهروزی‌فر، مریم؛ چیت‌ساز، محمدعلی و محمدی، اصغر (۱۳۹۸). تجربه زیسته کودکان و نوجوانان بدسرپرست از زندگی در مراکز نگهداری شبانه‌روزی شهر تهران. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۶(۲۱)، ۱۳۳-۱۷۲. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2021.57612.457.172-133>
- رئیس‌السادات، ریحانه؛ ملک‌الساداتی، سیدسعید و هوشمند، محمود (۱۴۰۳). تبعیض در دستیابی به فرصت‌های شغلی برای مادران در بازار کار شهری ایران. *اقتصاد شهری*، ۱۹(۱)، ۳۴-۱۹. <https://doi.org/10.22108/ue.2024.143371.1302.34-19>
- دوالی، محمدمهدی و علی‌پور، فرشید (۱۴۰۰). اثر مهارت‌های شغلی بر خشنودی شغلی با نقش میانجی‌گر فرسودگی شغلی. *مطالعات روانشناسی صنعتی و سازمانی*، ۸(۱)، ۲۱۳-۲۳۰. <https://doi.org/10.22055/jiops.2021.38143.1235.230>
- رازقی‌نصرآباد، حجه بی‌بی و حسینی، زینب (۱۳۹۸). مطالعه تجربه ایفای هم‌زمان نقش شغلی-خانوادگی در مادران شاغل دارای فرزند خردسال. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰(۳)، ۱۰۹-۱۳۴. <https://doi.org/10.22108/jas.2019.113958.1549.134-109>
- رضایی، فرشته (۱۴۰۱). بررسی تأثیر مهارت‌آموزی بر اشتغال با تأکید بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی. *در همین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تجارت جهانی، اقتصاد، دارایی و علوم اجتماعی*.
- سلطانی قهفرخی، زیور؛ صالح‌زاده، مریم و اسعدی، سمانه (۱۳۹۷). پیش‌بینی تاب‌آوری افراد مقیم در مراکز شبه‌خانواده از طریق ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانواده اولیه و کیفیت رابطه با همسالان. *خانواده‌پژوهی*، ۱۴(۴)، ۵۷۹-۵۹۳.
- فتحی، منصور؛ بخشی‌زارعی، فهیمه، و خاکرنگین، مریم. (۱۴۰۳). موانع و چالش‌های نوجوانان دختر مراکز شبه‌خانواده بهزیستی برای شروع زندگی مستقل. *رفاه اجتماعی*، ۲۳(۹۳)، ۹۹-۱۳۰.
- نصیری‌فرد، منیره، پورمقدم، معصومه و حیدری، کلثوم (۱۴۰۳). اهمیت انتخاب رشته تحصیلی بر اساس استعدادها و علاقه‌ها. *در اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی، مدیریت و علوم اجتماعی، تبریز*.
- خیری‌صفا، ر. (۱۴۰۲). بررسی اهمیت محیط خانواده بر رشد کودکان و نوجوانان. *در سومین همایش ملی روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، اردبیل*.

- transitional supports and programs. *Journal of Behavioral Health Services & Research*, 48(2), 287–305. <https://doi.org/10.1007/s11414-020-09693-6>
- Barmola, K. C. (2014). Role of guidance in academic performance, mental health and career choice of students. *ZENITH International Journal of Multidisciplinary Research*, 3(11), 143–155.
- Bengtsson, T. T., Sholblom, A., & Hojer, I. (2018). Young care leavers' expectations of the future: A question of time. *Child & Family Social Work*, 23(2), 188–195.
- Birneanu, A. (2014). The resilience of foster children: The influence and the importance of their attachment. *Revista de Asistență Socială*, 13(4), 85–100.
- Bramsen, I., Kuiper, C., Willemse, K., & Cardol, M. (2018). My path towards living on my own: Voices of youth leaving Dutch secure residential care. *Child & Adolescent Social Work Journal*, 35(3), 235–244.
- Butterworth, S., Singh, S. P., Birchwood, M., Islam, Z., Munro, E. R., Vostanis, P., Paul, M., Khan, A., & Simkiss, D. (2016). Transitioning care-leavers with mental health needs: “They set you up to fail!”. *Child and Adolescent Mental Health*, 22(3), 138–147.
- Cinamon, R. G. (2015). Integrating work and study among young adults: Testing an empirical model. *Journal of Career Assessment*, 24 (3), 527–542.
- Courtney, M. E., Dworsky, A. L., Cusick, G. R., Havlicek, J., Perez, A., & Keller, T. (2007). *Midwest evaluation of the adult functioning of former foster youth: Outcomes at age 21*. Chapin Hall Center for Children at the University of Chicago.
- Cruz, D., García-Alba, L., & del Valle, J. F. (2025). \*Helping care leavers develop life skills: A scoping review. *Children and Youth Services Review*, 173, 108298.
- Curry, S. R., & Abrams, L. S. (2015). Housing and social support for youth aging out of foster care: State of the research literature and directions for future inquiry. *Child and Adolescent Social Work Journal*, 32(2), 143–153.
- Eslamian, Ayoub, Afrouz, Rojan, & Moghanibashi-Mansourieh, Amir. (2024). “Who is going to help us?”: A qualitative study on young care leavers’ experiences in Iran. *Children and Youth Services Review*, 166, 107936. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2024.107936>
- Feather, J., Tilbury, C., Eastman, C., & Gopalkrishnan, N. (2023). Leaving care: A systematic review of interventions to support transition to adulthood. *Children and Youth Services Review*, 149, 106965.
- Harrison, N., Dixon, J., Saunders-Ellis, D., Asker, P., & Ward, J. (2023). *Care leavers’ transition into the labour market in England*. Rees Centre, University of Oxford.
- Havlicek, J., Garcia, A., & Smith, D. C. (2013). Mental health and substance use disorders among foster youth transitioning to adulthood: Past research and future directions. *Children and Youth Services Review*, 35(1), 194–203.
- Hlungwani, J., & van Breda, A. D. (2024). Care-leavers’ experiences of how managed opportunities for independence contributed to building resilience. *International Journal of Child, Youth and Family Studies*, 15(4), 41–65.
- Hogin, H. S. (2021). *Stress, coping, and adjustment of young adults who have transitioned out of foster care* (Doctoral dissertation). Walden University.
- Johansson, H., Sjöblom, Y., Höjer, I., Gilligan, R., Arnau-Sabatés, L., Pazlarová, H., Soye, V., & Stoddart, J. (2023). Exploring care leavers' agency in achieving entry into

- the world of work: A cross-national study in six countries. *International Journal of Social Welfare*, 33\*(1), 309–319. <https://doi.org/10.1111/ijsw.12603>
- Kim, J., Park, D., & Shin, Y.-J. (2023). Friendship dynamics of career decision-making self-efficacy: A longitudinal social network approach. *Current Psychology*, 42\*(32), 28771–28782.
- Kiprianos, P., & Mpourgos, I. (2024). School failure and life trajectories. *YOUNG – Nordic Journal of Youth Research*.
- Kovarikova, J. (2017). *Exploring youth outcomes after aging-out of care: Ontario case study*. Office of the Provincial Advocate for Children and Youth.
- Lehmann, S., Hysing, M., & Sivertsen, B. (2024). Academic performance, health and support needs: Comparing foster care alumni and peers in higher education in Norway. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 21(11), 1470.
- Lorenzo-Quiles, O., Galdón-López, S., & Lendínez-Turón, A. (2023). Factors contributing to university dropout: a review. *Frontiers in Education*, 8.
- Maslow, A. H. (1943). A theory of human motivation. *Psychological Review*, 50(4), 370–396.
- Nadon, M. L., Park, S., Feng, H., & Courtney, M. E. (2022). Examining prevalence and predictors of economic hardships for transition-age foster youth. *Journal of the Society for Social Work & Research. Advance online publication*.
- Núñez, M., Beal, S. J., & Jacquez, F. (2021). Resilience factors in youth transitioning out of foster care: A systematic review. *Psychological Trauma: Theory, Research, Practice, and Policy*, 14(Suppl 1), S72–S81.
- Ofsted. (2022). *Ready or not: Care leavers' views of preparing to leave care*. UK Government.
- Pears, K. C., Kim, H. K., Buchanan, R., & Fisher, P. A. (2015). Adverse Consequences of School Mobility for Children in Foster Care: A Prospective Longitudinal Study *Child Development*, 86(4), 1210–1226.
- Pote, C., Dykes, G., & Carelse, S. (2022). Social support networks for youths aging out of residential care to promote positive transition outcomes – A scoping review. *Social Work/Maatskaplike Werk*, 58(1), 85–100.
- Reznikovski-Kuras, A., & Gerasimenko, A. (2020). Identifying best-practice strategies for managing residential caregivers working with children at risk. *International Journal of Child, Youth and Family Studies*, 11(4.2), 96–114.
- Salamon, R. (2020). A 10-Year Prospective Study of Socio-Professional and Psychological Outcomes in Students From High-Risk Schools Experiencing Academic Difficulty. *Frontiers in Psychology*, 11, 1742.
- Schmeer, K. K., & Yoon, A. J. (2016). Home sweet home? Home physical environment and inflammation in children. *Social Science Research*, 60, 236–248.
- Shaw, Mariska & Steyn, Marie & Simeon, Elzahne, 2020. "The need for preparing youth ageing out of foster care for independent living in South Africa," *Children and Youth Services Review, Elsevier*, vol. 109(C).
- Starr, M., Cordier, R., Pakpahan, E., Robinson, M., Speyer, R., & Chung, D. (2024). Understanding how young people transitioning from out-of-home care acquire and develop independent living skills and knowledge: A systematic review of longitudinal studies. *PLOS ONE*, 19(6), e0304965.

- Stein, M. (2006). Research review: young people leaving care. *Child & Family Social Work*, 11(3), 273-279 .
- Stubbs, A., Baidawi, S., & Mendes, P. (2023). Young people transitioning from out-of-home care: Their experience of informal support. *Children and Youth Services Review*, 144, 106735.
- Tully, B. A. (2022). *Financial matters: Housing security and eviction during the transition from foster care to adulthood* (Doctoral dissertation, University of California, Los Angeles). eScholarship.
- Van Breda, A. D. (2025). Enablers and barriers to acquiring and maintaining employment among care leavers in South Africa. *Children and Youth Services Review*, 171, Article 108204.